

## روابط راهبردی نفتی با روس‌ها؟

مذاکره این قرارداد چند سال است ادامه دارد. ابتدا قرار بود ۲۵۰ هزار بشکه با روس‌ها تهارت شود. بعد در حاشیه اجلاس الجزایر، زنگنه و نوواک برای صدور ۱۵۰ هزار بشکه با یکدیگر مذاکره کردند. روز گذشته اما زنگنه این عدد را ۱۰۰ هزار بشکه در روز اعلام کرد. منابع اصلی امضای این قرارداد و کاهش بشکه‌های آن، تخفیف‌خواهی روس‌ها بوده است. با توجه به اینکه مشخصات نفت اورال روسیه با نوعی از نفت خام ایران نزدیک است، فروش نفت به این کشور می‌تواند امکان صادرات بیشتر اورال را در مقاصد صادراتی تسهیل کند. می‌ماند اینکه ایران برای خرید خدمات فنی و مهندسی از روسیه، نفت را راحت‌تر می‌تواند به این کشور منتقل کند تا پول. در این صورت، این تهارت «به شرط به‌قیمت‌بودن» به منافع ایران کمک می‌کند؛ پس بجاست وزارت نفت در صورت انعقاد قرارداد فروش نفت به روسیه، قیمت فروش نفت را هم اعلام کند. همچون فرمول فروش نفت خام که هر ماه توسط امور بین‌الملل شرکت ملی نفت به صورت شفاف اعلام می‌کند. تخفیف در این قرارداد مسلما موضوعیتی ندارد.

۳- معاون بین‌الملل وزیر نفت گفته است روابط اقتصادی روسیه و ایران همبای روابط سیاسی این دو کشور رشد نکرده و خواهان ارتقای این روابط شده است. این حرف درستی است. به همین دلیل کمیسئون مشترک اقتصادی ایران و روسیه، به ریاست وزرای ارتباطات و انرژی دو کشور روز گذشته در تهران برگزار شد. به گفته امیرحسین زمانی‌نیا، ظرفیت سرمایه‌گذاری دو کشور هشت میلیارد دلار بوده که می‌تواند به ۱۰ میلیارد دلار برسد. افزایش ۱۰۰دلاری قیمت نفت در ۱۵ روز گذشته و پایداری این رشد قیمت، توان مالی دو کشور را افزایش داده و می‌تواند همکاری‌های اقتصادی تهران-مسکو را تعمیق کند. بانک‌های روسی می‌توانند در این مسیر نقش مهمی ایفا کنند. در شرایطی که بانک‌های بزرگ غربی با دستاویز قراردادن بند مربوط به «گانسیسم ماشه» یا بازگشت تحریم‌ها، را اجرای سریع توافق برجام استنکاف می‌کنند، بانک‌های روسی می‌توانند درها را برای فاینانس طرح‌های اقتصادی- نفتی ایران باز کنند. به شرط آنکه، تحریم، مشکلات مالی روسه را چنان نکرده باشد که نتواند در پروژه‌های کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری کند.

۴- باید منتظر ماند و دید چه زمانی تفاهم‌های نفتی به قرارداد قطعی و کامل تبدیل خواهد شد. امضای سریع قراردادها و توسعه فوری میادین نفتی با پیمانکاران توانمندکی که بتوانند ضریب بازپافت مخازن نفت ایران را بالا ببرند، یک اولویت ملی است.

## اقتصاد مقاومتی و بودجه ۱۳۹۶

از جمع هزینه‌های ۳۲۱ هزار میلیارد تومانی دولت ۲۹۱ هزار میلیارد تومان آن به امور اجتماعی شامل بهداشت و درمان، ۴۸ هزار میلیارد تومان آموزش و پرورش و آموزش عالی، ۵۶ هزار میلیارد تومان رفاه اجتماعی شامل بیمه و یارانه ۷۳ هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان و ۹ هزارو ۳۰۰ میلیارد تومان برای فرهنگ و رسانه اختصاص یافته است. اگر شعار اقتصاد مقاومتی جدی است، خوب است دست‌اندرکاران اداره نظام این شعار را در تدوین و تصویب بودجه مدنظر قرار دهند. اگر ارزیابی سنجیده‌ای از عملکرد دستگاه‌های دولتی به عمل آید، ملاحظه می‌شود عملکرد بخش اجتماعی هیچ تناسبی با افزایش هزینه‌های این بخش ندارد. آیا آموزش ما توانسته منجر به اقتصاد دانش‌بنیان شود و محصولات نهادهای آموزشی در بخش تولید کشور به‌عنوان کارآفرینان آموزش‌دیده به کار گرفته شده‌اند؟ آیا این‌همه هزینه برای بخش سلامت منجر به سلامت جسمی و روانی جامعه شده و شاخص‌های سلامت جامعه ما با شاخص‌های مصرف دارو و درمان تناسبی دارد و امکان مقایسه را با کشورهای پیشرفته دارد؟ یارانه‌ها به افراد نیازمند پرداخت می‌شود؟

در اینجا مسئله این است که بودجه‌ای تنظیم شده است، دخل‌وخرج هم معین شده است؛ اما آیا همه خرج‌ها برای ما در حال فعلی لازم بوده است؟ آیا بآا وضعی که داریم، اگر حتی تاخیر خرجی تا سال دیگر امکان داشته باشد، می‌توانیم آن خرج را در بودجه سال جاری بگذاریم؟ آیا پبنی و بین‌الته می‌توان با وام و فروش بعضی از اموال دولتی و حراج‌کردن نفت برای بعضی از ردیف‌های پادشده در لایحه بودجه اعتبار تأمین کنیم؟

متأسفانه از این اظهارنظر اندیشمندانه شورای نگهبان ۳۴ سال می‌گذرد؛ ولی مسئولان اجرائی و برنامه‌ریزی کشور بدون توجه به نیازها و امکانات هر سال بر حجم لایحه بودجه افزوده‌اند و با بی‌برنامگی منابع ملی را هدر داده‌اند. در ابتدای لایحه بودجه سال جاری حدیثی از امیرالمؤمنین آورده‌اند:برنامه‌ریزی درست مال اندک را افزایش می‌دهد و برنامه‌ریزی نادرست مال فراوان را نابود می‌کند.

| مقایسه هزینه‌ها در سال ۶۶ با ۹۶ (میلیارد تومان) |        |                       |
|-------------------------------------------------|--------|-----------------------|
| هزینه‌ها                                        | سال ۶۶ | سال ۹۶ (افزایش درصدی) |
| امور اجتماعی                                    | ۱۶۰    | ۲۹۲۰۰۰ ۱۸۲۵           |
| امور دفاعی                                      | ۴۸     | ۵۱۰۰۰ ۱۰۶۲            |
| امور عمومی                                      | ۳۱     | ۱۰۰۰۰ ۳۲۲             |
| امور اقتصادی                                    | ۶۳     | ۲۸۰۰۰ ۴۴۴             |

شرق: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی میزبان هفت اقتصاددانان «چهره» بسود تا ارزیابی خود را از برنامه ششم توسعه بگویند. همه آنها به‌ترتیب فاتحه این برنامه را خوانده می‌دانستند: فرشاد مؤمنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبائی از «اقتصاد سیاسی برنامه‌ریزی توسعه در شرایط بحرانی» گفت؛ محمد قاسمی، مدیر دفتر مطالعات برنامه‌بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس از «بررسی وضعیت مالی کشور»، حسین راغفر، استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا، از «فقر و نابرابری و حاشیه‌نشینی در سال‌های برنامه ششم»، سیدحسین کاظمی، رئیس مؤسسه پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی و «توسعه روستایی و کشاورزی در پنج سال آینده» و میکائیل عظمی، استاد سابق اقتصاد دانشگاه سمنان، از «نابرابری‌های منطقه‌ای و برنامه ششم» گفتند.

### شاگردی: گویی به اهدافمان پشت کرده‌ایم

عباس شاگردی، رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبائی، پیش از همه این اقتصاددان‌ها سخن گفت. به گفته او: «درباره برنامه‌ریزی باید گفت به معنای واقعی کلمه برنامه‌ریزی توسعه در ایران وجود ندارد؛ اینکه متناسب با واقعیت‌های جامعه، منابع و موقعیت کشور، اهدافی را برای جامعه ترسیم کنیم؛ برای رسیدن به آن اهداف، زیرساخت‌ها زیرمجموعه‌های جامعه را مشخص کند و دولت‌ها مسئولیت بپذیرند که این را با مشارکت مردم راهبری کنند و هرچه می‌گذرد، حضور مردم در این میدان بیشتر شود. در کشور وجود ندارد؛ همه اینها در شوک‌درمانی و راه‌سازی خلاصه شده است. البته باید تأکید کنم که نفس برنامه‌ریزی بهتر از نبود برنامه است، اما باید توجه داشته باشیم این سبک از برنامه‌ها به اهدافی که برای توسعه نیاز است، منجر نمی‌شود. یک رویه این است که فقط بررسی شود که می‌خواهیم به فلان هدف کمی برسیم و این چقدر منابع نیاز دارد. خب باید پرسید با کدام ساختار؟ با کدام نظام اداری؟ با کدام شفافیت؟ با کدام انضباط؟ با کدام حسابدپذیری؟ با کدام تجارت؟ با کدام کسب‌وکار؟ همواره هم دنبال منابع هستند و منابع که به‌هرحال وقتی به مرحله عمل می‌رسد همواره در کم‌آمدن است. طبیعی است وقتی همه مسائل به اهداف کمی و منابع برای خلاصه می‌شود، به ثمر نمی‌نشیند. بنابراین بهتر است توقع هم نداشته باشیم به نتیجه برسیم. از پس از جنگ تاکنون که برنامه‌نویسی را شروع کرده‌ایم، تقریباً روی یک ریل حرکت کرده‌ایم. با تفاوت‌هایی اندک میان دولت‌ها که برخی پاک‌دست‌تر بوده‌اند و نتایج کارشان هم اندکی متفاوت بوده است؛ اما بدون شک به اهداف توسعه دست پیدا نکرده‌ایم. اگر کمی بدین هم باشیم می‌توانیم بگوییم، گویی به اهداف تعیین‌شده پشت کرده‌ایم. اگر این‌گونه نیست، چرا تولید نسبت به فعالیت‌ها نامولد، مقهور و مهجور است؟ همه این مشکلات وجود دارد، اما اینکه گمان کنیم باید هرچه هدف خوب است را در برنامه بگذاریم، با گمان کنیم که برنامه یک بودجه چندساله است که باید یک‌سری اهداف در آن پشت‌سرهم ردیف کنیم که همه‌شان بار مالی داشته باشند، روندی به‌غایت اشتباه است. روشن است که این‌گونه به اهدافمان نمی‌رسیم؛ باید یک‌بار برای همیشه از این‌همه تجربه درس بگیریم. پرسش من این است که این دولت چندبار محاسبه کرده که این اهداف کمی تا حد تحقق یافتنی است؟»

#### مومنی: ترکیب انبوه بحران‌ها و ازکار افتادگی محصول نوع توسعه‌گرایی

فرشاد مومنی در سخنان خود توضیح می‌دهد: «واقعیت این است که شرایط ایران به معنای دقیق کلمه شرایط بحران است. به واسطه اینکه رویکردی در اداره کشور در پنج برنامه کشور حاکم بوده که با شکل‌دادن به اتحاد نامیوم سه‌گانه میان بخش‌های غیرمولد، دولت‌کوته‌نگر و طیفی از نئوکلاسیک‌های وطنی، منافع ضدتوسعه‌ای بخش‌های غیرمولد را برگ کرده است. این برای کشور اوضاعی را به وجود آورده که حتی در اسناد رسمی انتشار یافته، به‌صراحت از بحران‌های بزرگ و کوچک سخن گفته می‌شود. باید دقت داشته باشیم که کلمه بحرانی نشان می‌دهد که ایران در یک نقطه عطف است. این نقطه عطف یا شرایط بحرانی در واقع نشان‌دهنده این است که رویکردی که در کادر اتحاد سه‌گانه در ۲۵ سال گذشته در اداره اقتصاد کشور در دستور کار قرار گرفته، اکنون به نقطه اشباع ناکارآمدی خود رسیده است. در شرایط کنونی ما با طیف بسیار گسترده‌ای از پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که من آن با نام «ازکارکردافتادگی» نام می‌برم؛ معنای این عبارت هم این است که در همه امور مربوط به توسعه شکل و شمایل و ظواهر به‌گونه‌ای نمایش داده می‌شود و طرز عمل‌ها و کارکردها به گونه‌ای دیگر، این مسئله در سطح دولت، دستگاه‌ها و همین‌طور در سطح عامه مردم شکل مختص به خودش را دارد. ترکیب انبوه بحران‌های بزرگ و کوچک به همراه طیف وسیعی از پدیده ازکارکردافتادگی وقتی کنار یک مسئله حیاتی قرار می‌گیرد، (اینکه از سال ۱۳۶۸ تا امروز، نظام تصمیم‌گیری کشور درباره هر جهت‌گیری استیسی اتخاذشده‌ای که بیشتر تبلیغات کرد انتظار ایجاد کرد) صدمه‌ها و خسارت‌های بیشتری به کشور وارد می‌کند. شاید برجسته‌ترین آن‌ها شوک

فرشاد مومنی

سیدحسین کاظمی

عباس شاگردی

محمد قاسمی

امیرحسین زمانی‌نیا

سیدمرتضی میرحاجی

سیدرضا عسکری

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

## اقتصاد

### استادان اقتصاد در دانشگاه علامه طباطبائی بر نامه ششم را نقد کردند

# «پشت» به توسعه

بزرگی بود که به نرخ ارز در سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۸۰ وارد شد. می‌توان طیف وسیعی از سیاست‌هایی را که به شکست انجامید یکی‌یکی مرور کرد؛ از مسکن مهر گرفته تا سهام عدالت و بنگاه‌های زودبازده و دو بسته سیاسی که در این دولت به کار گرفته شد. همه اینها حکایت از این دارند که اندیشه‌ای که به تبعیت از ننوکا‌ن‌ها و ننولیبرال‌های جهانی در ایران افتان‌وخوران در دستور کار مدیریت توسعه ملی بوده کشور را به بحران رسانده است. این چنین است که اکنون در یک نقطه عطف قرار داریم که باید بایسته‌های آن را بفهمیم.

این اقتصاددان در بخش دیگری از سخنان خود توضیح داد: «وقتی شواهد رسمی انتشار یافته در این ربع قرن مشاهده می‌شود، به‌وضوح دیده می‌شود که دو گروه تولیدکننده‌ها و عامه مردم تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته‌اند و غیرمولدها به طرز غیرمتعارفی، برخورداری‌های جنون‌آمیز پیدا کرده‌اند. مسئله اساسی این است که هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم این فشار غیرعادی به تولیدکننده‌ها و عامه مردم افزایش پیدا کرده است. درنتیجه برخورداری غیرعادی طیف غیرمولدها هم افزایش نامتعارفی پیدا کرده است. متأسفانه برنامه ششم و سیاست‌هایی که در آن در نظر گرفته شده است ادعا داردی ضعف‌های زیادی است که یکی از آنها امنیت حقوق مالکیت است. این موضوع می‌تواند کشور را به سمت توسعه یا عقبگرد ببرد اما در برنامه ششم حتی یک کلمه به آن اشاره نشده است درحالی‌که مقیاس‌ها و گونه‌های مشخص وجود دارد که بحران‌های اصلی که در کشور در حال شدت‌گرفتن است برپایه بحران مالکیت است. اگر ما به مسئله اشتغال و به‌حداقل‌رساندن بی‌عدالتی‌هایی که در تقسیم ثروت‌های منطقه‌ای و ملی به وجود آمده توجه نکنیم در آینده شرایط خوبی نخواهیم داشت. برنامه ششم بزودی به صحن می‌آید و من به همه کسانی که به‌نوعی در این برنامه دست داشته‌اند اعلام می‌کنم که این سند رویکرد ضدتوسعه‌ای دارند. آنچه بر سر کشور در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۲ آمد براساس ضعف دستگاه‌های نظارتی بود که یکی از این دستگاه‌ها مجمع تشخیص مصلحت نظام است.»

#### این روش اجرا معنای قانون ندارد

محمد قاسمی، دومین سخنران این همایش گفت: «زمان تدوین برنامه ششم نگرش‌های مختلفی درباره منطق برنامه‌ریزی وجود داشت؛ برخی با توجه به سوابق برنامه‌های قبلی از اساس تدوین برنامه را کار مفیدی نمی‌دانستند؛ در واقع این‌کار را امری آیینی و تشریفاتی می‌دیدند. هرچند نکته

سیدعلی حسینی

مهم‌تر این بود که در تحلیلی که دولت داشت، این بود که ما در شرایطی هستیم که اصلا ممکن است مناسب نوشتن برنامه نباشد؛ این هم با توجه به شرایط پیچیده منطقه‌ای، مجموعه فراوانی مشکلات و چشمانداز‌های موجود، نوشتن برنامه امکان‌پذیر تلقی نمی‌شد. تفاهم‌داشتن درباره تبیین وضع کنونی، اولویت‌های کشور و راه‌های رفع این مشکلات بر این برنامه سایه انداخته و نمی‌تواند به‌طور کامل با وضع فعلی ایران تناسبی داشته باشد. واپسنگی بودجه به منابع نفتی انبوه طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام، حجم بالای بدهی دولت، همدفندنبودن معافیت‌های مالیاتی، تعهد مالی بایست پرداختن یارانه نقدی و وجود دستگاه‌های موازی با بهرورری پایین موجب شده انتظارات از برنامه ششم چندان در دسترس نباشد. دولت همه این مسائل را می‌شناسد و اگر همین مسیر فعلی را ادامه دهد، از سال دوم برنامه موجودی برای طرح‌های عمرانی صفر می‌شود و کسری تراز عملیاتی هم ۱۲ درصد رشد می‌کند و دولت به‌کارتر از قبل خواهد شد. برنامه ششم هم در تراز همان برنامه‌های قبلی است و دولت در محصول نهایی مشارکت کمتری دارد و مشارکت مجلس بیشتر است، اما در برنامه ششم بار مالی دولت به‌حتم اضافت‌تر خواهد شد. هرچند تصمیم‌گیران معتقدند ما برنامه‌ها را تصویب می‌کنیم و هر جا پول داشتیم، اجرا می‌کنیم و هر کجا پول نداشتیم، اجرا نمی‌کنیم؛ اما اسم این اقدام به لحاظ فنی قانون نیست؛ زیرا قانون عمومیت داشته و باید ضمانت اجرا داشته باشد. آنچه می‌توان توصیه کرد این است که مطالب برنامه در صحن علنی مجلس اصلاح شود و گروه‌هایی راجع بر هر کدام از این مسائل اساسی، تمرکز کنند و به برنامه‌های بخشی و منطقه‌ای توجه شود و بحث‌های مهمی، مانند آب و محیط زیست و بهره‌وری که مسائل کلیدی در اقتصاد کشور هستند، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.»

#### ایران نیازمند تغییر دیدگاه به برنامه‌های توسعه‌ای است

«اثرات رشد نابرابری که در سه دهه گذشته در کشور اتفاق افتاده، یک‌شبه مرتفع نمی‌شود». این سخنران دیگر این همایش می‌گوید. حسین راغفر ادامه می‌دهد که «ما نیازمند تغییر دیدگاه نسبت به برنامه در ایران هستیم؛ چراکه تصور می‌شود یکی از اصلی‌ترین عوامل عقب‌ماندگی در ایران مدل تصمیم‌گیری است. برنامه‌ریزی‌ها اشکالات فراوانی دارد که با تغییر نگاه می‌توان آنها را دوباره درست کرد. بخش مهمی از منابع کشور در از درآمد نفت و گاز است که تنها به بخش‌های خاصی که منافع سیاسی کشور را تأمین می‌کنند، تعلق می‌گیرد. یکی از دلایل نابرابری‌های اجتماعی، دسترسی راحت به فرصت‌های شغلی است؛ چالش‌های مرتبط با اشتغال

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

سیدعلی حسینی

### استادان اقتصاد در دانشگاه علامه طباطبائی بر نامه ششم را نقد کردند

به نظام تصمیم‌گیری بازمی‌گردد و این نابرابری محکوم به سیاست‌های موجود است. هم‌اکنون کشور شاهد بحران در صندوق‌های بانزنشستگی، فرار مغزها و اشتغال بی‌کیفیت است. تنها ۲۲ درصد از افراد بین ۱۵ تا ۲۴ سال در ایران شاغل‌اند؛ این در حالی است که نرخ جهانی بیش از ۴۱ درصد است و ایران دارای نیمی از شاخص جهانی است. هیچ رابطه‌ای بین سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در جامعه وجود ندارد؛ چراکه نهاد تصمیم‌گیری، برنامه‌ای را تدوین می‌کند که تنها صاحبان سرمایه منتفع شوند. زمانی که شوکی به خانواده فقیر وارد می‌شود، آن خانواده قادر به بازسازی خود نیست؛ زیرا دسترسی به منابع بانک‌ها برایشان مقدور نیست و از گروه‌های دیگر آسیب‌پذیرترند. نابرابری پدیده ناگزیر نیست، بلکه محصول سیاست و برنامه‌هایی است که انعکاس منابع صاحبان سرمایه‌های تجاری و مالی در ایران است و نشانه‌ای از اقتصاد معیوب است که به فعالیت‌های نامولود سود بیشتری از سخت‌کوشی و سرمایه‌گذاری صنعتی می‌دهد. سهم نیروی انسانی در تولید ناخالص داخلی در ایران ۱۵ درصد است؛ این رقم در کشورهای صنعتی ۶۰ درصد بوده که هم‌اکنون به ۵۰ درصد رسیده است. اقتصادهایی که سطوح بالای نابرابری و ثروت را تجربه می‌کنند سطوح پایین نابرابری فرصت‌ها را دارا هستند که عمق این کج‌کردگی را باید در قدرت بنگاه‌ها با اعمال نفوذ منابع دید. اثرات رشد نابرابری که در سه دهه گذشته در کشور اتفاق افتاده، یک‌شبه مرتفع نمی‌شود. ما نیازمند تغییر نگاه در بخش درمان آموزش‌وپرورش هستیم و به جای اتخاذ رویکرد حداقل‌گرا باید به قواعد و ماهیت پویا و قدرتمند در زندگی روزمره بپردازیم. سیاست‌های بعد از جنگ نابرابری را افزایش داد و امروز به جایی رسیدیم که این نابرابری‌ها به‌سادگی قابل رفع نیست. در برنامه ششم مشارکت مردم غایب است و کلا برنامه در ایران ظرفیت توسعه‌ای ندارد و عمده بودجه به حقوق و دستمزد مرتفع می‌گیرد. منابع محدود بوده و برنامه‌ها زیاده‌اند؛ در نتیجه بسیاری از برنامه اجرا نمی‌شود و تنها افرادی که نفوذ دارند منابع را به برنامه‌های خود اختصاص می‌دهند. متأسفانه طرح تحول سلامت و واگذاری بیمارستان دولتی به بخش خصوصی هزینه‌های درمان را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ درصد افزایش می‌دهد که این موضوع آثار جدی و گسترش نابرابری در جامعه را خواهد داشت.»

### عدم تعادل منطقه‌ای رشد را مختل می‌کند

میکائیل عظمی، اقتصاددان و استاد سابق دانشگاه سمنان دیگر سخنران این همایش گفت: «محدودیت منابع و آرزوهای بلندبلا یکی از مهم‌ترین مباحثی است که باید به آن اشاره شود. در همه برنامه‌های گذشته منابع تخصیص‌دهه‌شده بیشتر از اهدافی بوده که محقق شده است؛ پس همواره این پرسش مطرح است که چرا این اهداف محقق نشد؟ متأسفانه با تعداد بالای برنامه‌هایی که اجرا کرده‌ایم کشورها همچنان در ردیف کشورهای است که توسعه نیافته‌اند. به‌فداری استمرار این ماجرا برپزگ بوده که امروز بسیاری به‌سادگی سخن از امتناع از برنامه می‌گویند. این بحث متأسفانه در مصادیق تصمیم‌گیری هم مطرح می‌شود؛ این یعنی با موضوعی بسیار جدی مواجهیم و تنها یک تمرین ذهنی که در کلاس‌های دانشگاهی وجود داشته باشد، نیست. این موضوع کاملاً واقعی است و البته تغییردهنده حیات اجتماعی و نوع زیست ارثیانی. لازم است نکتهایی کلی به سند برنامه ششم شود که سه نکته مهم در آن خودنمایی می‌کند. نخست رویه ناکارآمد مکرر به نظر می‌رسد که در برنامه ششم ادامه پیدا کرده است. نام این رویه را من «رزم دیرین تشکیلات و فرایند» می‌گذارم. نکته دیگر اینکه برنامه ششم آفته به موضوعی است که من نام آن را «واژه‌بافی‌های بی‌پشتوانه» گذاشتم. متأسفانه این برنامه بر است از واژگان بی‌پشتوانه، پریپلوه، برپارعد، نامشخص، نامعین و واژه‌هایی که می‌توان برداشت‌های بسیاری از آنها کرد. سومین نکته مهم دیگر هم بی‌توجهی به نگاه سیستمی در این برنامه است. وقتی در فصل سخنی گفته شده در فصل بعدی هم واژه در همان معنی به کار رفته باشد. متأسفانه در سندی با چنین ابعادی واژه‌ها در هم خلط شده‌اند. نگارش همین سند، ۴۸ونیم میلیارد ریال هزینه آشکار برای جامعه داشته است. این رقم معادل حقوق ۷۶ هزار بانزنشسته‌ای است که کف حقوق بانزنشستگی را دریافت می‌کنند و معادل یارانه ۱۰۵ میلیون نفر است. این هزینه برای سندی شده که حداقل در یک مطالعه متمرکز از برش آن روشن می‌شود که همه واژگان آن در هم خلط معنی شده‌اند؛ اما چرا لازم است که به بحث عدم تعادل منطقه‌ای» توجه ویژه‌ای شود؟ مطالعه‌های بسیاری شده که یکی از ریشه‌های اقتصادی انقلاب عدم تعادل منطقه‌ای بوده است. علی‌نقی علی‌بخانی، وزیر اقتصاد ایران در دهه ۱۳۴۰، یکی از اقتصاددانان‌های خوش‌نام است که به دست‌اندرکاران برنامه ششم توسعه توصیه می‌کند: اشتباه ما را تکرار نکنند و همه‌چیز را در تهران متمرکز نکنند. همین جمله به‌خوبی نشان می‌دهد که شکاف منطقه‌ای پیامدهای بسیار گسترده اجتماعی و سیاسی دارد. باید تأکید کنم که رابطه معنی‌دار منفی میان شکاف منطقه‌ای و رشد اقتصادی وجود دارد؛ یعنی گسترش شکاف تعادل منطقه‌ای می‌تواند رشد را در سطح کلان دچار اختلال کند. حتی اگر رشدگرای محض هم فکر کنیم، نیاز است که به این موضوع توجه شود.»

**به‌دلیل کمبود زمان نگارش گزارش، بخش سخنران مربوط به دکتر حسن کاظمی، رئیس مؤسسه پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی در شماره فردای روزنامه و همین صفحه منتشر خواهد شد.**

### پس از امضای تفاهم‌نامه نفتی

### ایران و روسیه

#### تفاهم‌نامه‌گازی امضا کردند

● **شانا:** شرکت ملی گاز ایران و شرکت گازپروم روسیه امروز (سه‌شنبه) در حضور دبیر ایرانی کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و روسیه و وزیر انرژی روسیه تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند.حمیدرضا عراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران و الکساندر مدودوف، معاون مدیرعامل شرکت گازپروم، امروز (سه‌شنبه) در حضور محمود واعظی و الکساندر نوکای این تفاهم‌نامه همکاری را امضا کردند.هیاتی ۳۰نفره از شرکت گازپروم روسیه دی سال گذشته در سطوح مدیریتی و کارشناسی به سرپرستی معاون مدیرعامل این شرکت به ایران آمد و نخستین نشست همکاری شرکت ملی گاز ایران با این شرکت برگزار شد.به دلیل گسترده‌بودن حوزه‌های کاری صنعت گاز در این مذاکرات تصمیم گرفته شد پنج کارگروه تعریف شود، این کارگروه‌ها در بخش تجارت گاز، تحقیق و توسعه، تولید و اجرای پروژه‌های مشترک، کاربری گاز و... تعریف و در قالب آن مذاکراتی انجام شد.در این نشست، طرح‌های آماده سرمایه‌گذاری در ایران تشریح و اعلام شد ایران برای بخش‌های زیرساختی و اصلی خود در شرکت ملی گاز آمریکا جذب بیش از ۶۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را در سال‌های آینده دارد.با گذشت بیش از یک سال از برگزاری نخستین جلسه هماهنگی و تشکیل کارگروه‌های تخصصی شرکت ملی گاز ایران و شرکت گازپروم، امروز تفاهم‌نامه همکاری براساس نتیجه جلسه‌های کارشناسی اعضای کارگروه‌ها، میان حمیدرضا عراقی و الکساندر مدودوف امضا شد.به گزارش ایرنا، شرکت نفت مناطق مرکزی نفت ایران و گازپروم نفت روسیه نیز امروز صبح تفاهم‌نامه مطالعه دومیدان نفتی چنگوله و چشمه‌خوش در غرب کشور را امضا کردند.سلبعلی کریمی، مدیرعامل شرکت نفت مناطق مرکزی و «الکساندر دوک اوف»، مدیرعامل شرکت گازپروم نفت روسیه این تفاهم‌نامه مطالعاتی را امضا کردند.

### وزیر انرژی روسیه خبرداد

## برنامه مسکو برای فروش سویر سوخو ۱۰۰ به ایران

● **ایرنا:** وزیر انرژی روسیه از برنامه کشورش برای فروش هواپیمای سویر سوخوی ۱۰۰ به ایران خبر داد و گفت: هدف از این اقدام، افزایش همکاری‌های اقتصادی و تجاری دوجانبه است.سوخو سویر جت ۱۰۰، یک هواپیمای مسافری جت منطقه‌ای با ظرفیتی بین ۷۵ تا ۹۵ مسافر است که شرکت روسی سوخو از سال ۲۰۰۰ میلادی طرح ساخت آن را کلید زد و از سال ۲۰۰۸ میلادی وارد صنعت هوایی جهان شد.به گزارش خبرنگار اقتصادی ایرنا، «الکساندر نوواک» امروز (سه‌شنبه) در همایش تجاری روسیه و ایران در هتل المپیک همچنین به تدوین نقشه راه همکاری‌های دوجانبه اشاره کرد و افزود: ۱۰۰ محور در این نقشه مورد توجه قرار گرفته است. وی با یادآوری لغو تحریم‌ها علیه ایران گفت: اکنون شرکت‌های روسی خود را برای حضور در پروژه‌های نفت و گاز ایران با همکاری طرف‌های ایرانی آماده می‌کنند.وزیر انرژی روسیه به توافق شرکت «لوک ایل» و «روس نیف» در حاشیه سیزدهمین کمیسیون مشترک دو کشور اشاره کرد و گفت: اینها محرکی برای افزایش همکاری‌ها خواهد بود.

#### معاون وزیر نفت:

## تعداد میدان‌های نفتی واگذار شده به روسیه افزایش می‌یابد

● **ایرنا:** معاون امور بین‌الملل وزیر نفت به امضای چند موافقت‌نامه با شرکت‌های روسی در چند ماه گذشته اشاره کرد و گفت: نهایی‌شدن این موافقت‌نامه‌ها به افزایش تعداد میدان‌هایی می‌انجامد که به روسیه واگذار خواهد شد.امیرحسین زمانی‌نیا، دبیروز (سه‌شنبه) در مراسم سیزدهمین سیزدهمین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و روسیه افزود: به‌این‌ترتیب حضور شرکت‌های روسی در میدان‌های نفتی ایران بیش از سایر کشورها خواهد بود.وی تأکید کرد، تاکنون برای توسعه هفت میدان نفتی تفاهم‌نامه با روسیه امضا شده و مذاکره برای توسعه سایر میادین در حال انجام است.به گزارش ایرنا، شرکت نفت مناطق مرکزی نفت ایران و گازپروم روسیه، امروز تفاهم‌نامه مطالعه دو میدان نفتی چنگوله و چشمه‌خوش در غرب کشور را امضا کردند.

#### وزیر انرژی روسیه:

## حجم روابط تجاری ایران و روسیه ۸۰ درصد افزایش داشت

● **ایرنا:** وزیر انرژی روسیه از افزایش ۸۰درصدی حجم روابط تجاری دوجانبه ایران و روسیه در سال جاری نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت: اکنون موافقت‌نامه حفاظت از سرمایه‌گذاران در حال نهایی‌شدن است.الکساندر نوواک، روز سه‌شنبه در مراسم اختتامیه سیزدهمین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و روسیه گفت: امضای این موافقت‌نامه زمینه‌ساز فعالیت توأم با اطمینان خاطر برای سرمایه‌گذاران خواهد بود.وی خواستار احیای روابط گذشته بانکی بین دو کشور شد و افزود: امسال حجم پرداخت‌ها سه برابر شده که گام مؤثری برای احیای روابط بانکی است.